

# در محکومیت بهره برداری از مخالفت اپوزیسیون با جنگ

مهرداد درویش پور✘

از سه سناریوی پیشروی ایران ۱. دست یابی به بمب اتمی و تثبیت حکومت ۲. جنگ است ۳. سوم عقب راندن حکومت در ماجراجویی های هسته ای، پایان دادن به بساط استبداد دینی، تغییر قانون اساسی و برگزاری انتخابات آزاد است. اولی نامحتمل اما مظلوی حکومت است. دومی مطلوب اسرائیل و نئوکان ها و خطر آن روز افزون است. سومی راه حل مطلوب ملت ایران است که تنها در پی خیزش دوباره مردم عملی است.

در صورت حمله نظامی به ایران در کنار جمهوری اسلامی نخواهیم ایستاد

این واقعیتی انکار ناپذیر است که جمهوری اسلامی ایران امروز با بزرگترین تحریم های بین المللی روبرو شده، بیش از هر زمان دیگر در عرصه داخلی و بین المللی منزوی گشته و خطر حمله نظامی به ایران افزایش یافته است. با این وجود جمهوری اسلامی ایران به جای هر نوع احساس مسئولیت در برابر جان، حقوق و امنیت مردم، به ماجراجویی های خطرناک و مانورهای تبلیغاتی خود ادامه میدهد و حتی تهدید کرده است که تنگه هرمز را خواهد بست و به ناوگان دریایی آمریکا نیز برای "آخرین بار" تذکر داده است که به خلیج فارس برنگردد. رجز خوانی ها و مانورهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی به گونه ای است که باور به این که حکومت جنگ را نعمت میداند قوت بخشیده است. جمهوری اسلامی میپندارد در صورت بروز جنگ، ایرانیان بدلیل مخالفت بر حق شان با هر نوع حمله نظامی در کنار حکومت قرار خواهند گرفت. این خوش بینی در کنار محاسبه اشتباه مبنی بر عدم امکان حمله نظامی در شرایط کنونی، باعث شده است که حکومت به جای متوقف کردن غنی سازی اورانیوم و مذاکره با مجامع بین المللی برای دست یابی به توافق در باره بحران هسته ای، تنها با افزایش تنش ها، اشغال سفارت انگلیس و تهدید این و آن کشور به سوی جلو فرار کند. در این میان مضحک ترین شگرد حکومت تلاش برای القای این ایده به مردم است که در صورت وقوع جنگ، حتی اپوزیسیون نیز در کنار آن

قرار خواهد گرفت! از آن بدتر تلاش حکومت برای دامن زدن به این باور است که چون ایران شباهتی به لیبی ندارد و از موقعیت قدرتمند تری برخوردار است، امکان حمله نظامی به آن اساساً وجود نخواهد داشت. حکومت برای القای چنین باورهایی حتی می‌کوشد از اظهار نظرهای اپوزیسیون و از جمله اشخاصی همچون من که همواره طرفدار صدای سوم علیه میلیتاریسم و بنیادگرایی اسلامی بوده ایم نیز سو استفاده کند.

برای نمونه سایت جام نیوز در تاریخ ۳/۶/۱۳۹۰ ضمن پخش گوشه ای از مصاحبه تلویزیون آسوسات با من با انتشار مطلبی تحت عنوان "کارشناس شبکه آسو: ایران کشور قدرتمند منطقه است" می‌نویسد: "مهرداد درویش پور" جامعه شناس و کارشناس شبکه کمونیستی "آسو" ۲۴ آگوست (۲ شهریور) در برنامه «موج روشنگری» تحولات اخیر لیبی و انقلاب های منطقه را بررسی کرد و با توجه به اغتشاشات سال ۸۸ ایران، نهایتاً به قدرتمندی ایران در منطقه اذعان نمود و در تحلیل خود گفت: «کلاً جمهوری اسلامی ایران یک کشور برآمده از انقلاب و کشوری قدرتمند است به هر حال مهمترین کشور منطقه است و ارزیابی من این است که ایران با سرنوشت آن کشورها روبه رو نخواهد شد. تصور اینکه ایران مثل مصر و تونس حکومتش ساقط شود به نظر من باطل است ایران نه مدل لیبی است نه عراق و نه مدل مصر و تونس».

در پی آن نیز مجدداً سرویس سیاسی جام نیوز در ۱۷ آبان ۱۳۹۰ با انتشار مطلبی تحت عنوان "تشویق به حمله به ایران یک شوخی کسل کننده است!" به نقل از مصاحبه سایت تلاش آن لاین با من مندرج در سایت ایران گلوبال نوشت: "مهرداد درویش پور، که خود را فعال اپوزیسیون جمهوری خواه می‌خواند، روز دوشنبه ۷ نوامبر (۱۶ آبان) گفت: «نیروی سیاسی که به دموکراسی معتقد است، به مردم تکیه دارد، طرفدار صلح است و بر روش مسالمت آمیز برای تغییر این نظام تاکید دارد، خیلی هم که رادیکال شود مردم سرزمین خود را به قیام علیه حکومت فرا می‌خواند و از جامعه جهانی می‌خواهد به حمایت فعال تر سیاسی از مبارزات مردم ایران بپردازد. اما تشویق به حمله نظامی دیگر کشورها به قصد آزادی ایران یک شوخی کسل کننده است».

درویش پور ادامه داد: «به سرنوشت عراق و افغانستان یک دهه پس از حمله نظامی و اشغال آن بنگرید، نتیجه روشن خواهد بود. به ویژه آن که ایران نه عراق است و نه افغانستان و نه لیبی. پس از عمری مبارزه برای رسیدن به دموکراسی و آزادی، آنقدر فرا گرفته ایم تا تحت هیچ شرایطی در مبارزه، آلت دست مطامع قدرت های خارجی نشویم

که قبل از هر چیز به منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی خود فکر می کنند."

وی در ادامه با انتقاد از حامیان حمله کشورهای غربی به ایران گفت: «طنز تاریخ در آن جا است که همانانی که پیشتر مردم را به کرنش در برابر حکومت و یا جناح هایی از آن تشویق می کردند، امروز در کوبیدن به طبل حمله نظامی به ایران از یکدیگر سبقت گرفته اند. دلیل آن ساده است. دغدغه آنان نه دموکراسی است و نه حقوق بشر و نه جان مردم، بلکه تنها پرسش آنها این است که چگونه میتوان در قدرت سیاسی سهمی یافت. این گروه شاید هم که در صورت حمله نظامی شانس و اقبال بیابند. من اما از سال ها پیش گفته ام اینان در بهترین حالت برندگان بدنام تاریخ آن سرزمین خواهند شد.

البته درویش پور توضیح نداد چگونه با پناه بردن به کشورهای که بنا بر گفته خودش تنها به فکر منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی خود هستند و دریافت حقوق و مواجب از این کشورها به خاطر مبارزه با جمهوری اسلامی و سخنرانی علیه ایران، می توان ادعا کرد به دنبال دموکراسی و آزادی برای کشور است؟".

در تلاش مشابه دیگری سایت جام نیوز در تاریخ ۲۰/۸/۱۳۹۰ با ذکر تیترا مصاحبه سایت خودنویس با من در بخش پیامک می نویسد: "پیامک// خودنویس: مهرداد درویشپور: اصلاح طلبانی که در انتخابات شرکت می کنند، به خودشان تیر خلاص زده اند". بدین ترتیب جام نیوز تلاش میکند از مصاحبه ای که به قصد محکوم کردن حمله نظامی به ایران و نفی پول گرفتن از قدرت های خارجی صورت گرفته است در جهت مقاصد خود سو استفاده کند.

همچنین در یکی از وبلاگ های وابسته به حکومت به نام "بامدادی" مطالبی در زیر مقاله "حمایت بی قید و شرط از حکومت ایران و یا نگاه براندازانه؟" در تاریخ ۱۳ نوامبر ۲۰۱۱ منتشر شده است که در آن نویسنده ای به نام شبنم مینویسد: "شایدان اخیرا در بیانیه ای تحت عنوان "محکومیت سرکوبگری رژیم حاکم و تجاوز نظامی خارجی به ایران" وارد میدان شده اند و سعی دارند با "نه این و نه آن" چهره کریه خود را بعنوان آلترناتیو برای جنایتکاران جنگی بزرگ کنند". همان نویسنده در ادامه در مطلب دیگری در ۱۴ نوامبر می نویسد: اپوزیسیون عامل ایران، که تعداد زیادی از مهره های سبز را در بر دارد، با نوشتن بیانیه ای تحت عنوان "در مخالفت فعال با جنگ" بار دیگر همکاری خود با سازمانهای اطلاعاتی غرب را به نمایش

گذاشت".

در این مقاله من و دیگر امضاکننده گان بیانیه هم علیه جنگ و هم علیه حکومت مورد دشنام قرار میگیریم که چرا حاضر به حمایت از جمهوری اسلامی در مخالفت با جنگ نیستیم و مرا نیز شخصا به خاطر امضای بیانیه ای در محکوم کردن انکار هولاکوست توسط رئیس جمهوری ایران تخطئه کرده است.

کیهان شریعتمداری نیز در مقاله ای تحت عنوان "ارتش سری روشنفکران" که در تاریخ دوشنبه ۵ دی ۱۳۹۰ - شماره ۲۰۱۰۶ منتشر شد از من و تعداد دیگری از روشنفکران ایرانی به عنوان "رابطین خوب آمریکا" نام برده است که تلاش میکنند بر افکار عمومی داخل کشور تاثیر بگذارند.

از این گونه ترهات و اتهامات در سایت های وابسته به جمهوری اسلامی دائما علیه اپوزیسیون انتشار می یابد که حتی ارزش پاسخ گویی نیز ندارند. اما آن چه به گمان من مهم است محکوم کردن هر نوع سوء استفاده حکومت از مخالفت قاطعانه ما با جنگ و حمله به ایران است. باید به روشنی اشاره کرد که در صورت بروز جنگ، جمهوری اسلامی ایران را در براه اندازی آن ذی نقش دانسته و هشدار میدهم که اکثریت جامعه ایرانی و اپوزیسیون به رغم محکوم کردن حمله نظامی به کشور، در کنار جمهوری اسلامی نخواهد ایستاد. این واقعیت که حتی بسیاری از حادثه انفجار در پادگان سپاه ابراز شادی کردند و خواستار گسترش این گونه عملیات شدند باید زنگ خطر جدی برای حکومت باشد که دریا بد در صورت بروز جنگ تصور همسویی مردم با آن خیالی خام بیش نیست. این واقعیت نیز که از حادثه شرم آور اشغال سفارت انگلیس مردم کوچکترین استقبالی نکردند و اپوزیسیون یک پارچه به محکوم کردن آن پرداخت و حکومت نیز سرانجام ناگزیر از سلب مسئولیت از خود در برابر آن شد، باید زنگ خطر دیگری برای حکومت باشد که بداند اکثریت ایرانیان تمایلی به کوچکترین همسویی با حکومت ندارند.

در نخستین روزهای سال ۲۰۱۲ سه سناریوی پیش روی ایران قرار دارد که نخستین آن مطلوب جمهوری اسلامی است و دومی مطلوب اسرائیل و سومی مطلوب اکثریت ایرانیان در داخل و خارج از ایران. سناریوی اول تلاش جمهوری اسلامی در پی تثبیت خود است که با گسترش سرکوب در عرصه داخلی و دست یابی به بمب هسته ای در عرصه بین المللی، مردم ایران و جهان را وادار کند در برابر آن تمکین کنند. این آرزوی

حکومت اما با گسترش تضادهای درونی و انزوای داخلی و بین‌المللی که دم به دم بر دامنه آن افزوده می‌گردد از کمترین شانس تحقق برخوردار است و کابوسی برای مردم ایران و جهان است. سناریوی دوم آن است که در پی تحریم‌های اقتصادی هر دم فزاینده و گسترش تنش‌آفرینی رژیم، جنگ به یک واقعیت بدل گردد. ایده آلی که اسرائیل و محافظان نو محافظه کار آمریکا از آن استقبال میکنند. حال آن که بسیاری از ایرانیان و اپوزیسیون دمکرات با آن شدیداً مخالفند و نسبت به عواقب آن هشدار میدهند. راه حل سوم عقب‌نشینی حکومت در عرصه داخلی و بین‌المللی و دست برداشتن از ماجراجویی هسته‌ای است که گسترش مبارزات اعتراضی مردم نقش مهمی در این رویکرد میتواند ایفا کند. پایان بخشیدن به بساط استبداد دینی در ایران، تغییر قانون اساسی کشور و برگزاری انتخابات آزاد زیر نظر مراجع بین‌المللی مطمئن‌ترین راه برای تامین صلح، دمکراسی و امنیت در ایران و منطقه است. اپوزیسیون ایرانی به جای همسویی با صدای جنگ‌طلبی و یا همسویی با حکومت باید در شکل بخشیدن به این رویکرد سوم صدای خود را رساتر کند!

لینک‌هایی که در این مقاله از آنها نقل شده است:

<http://jamnews.ir/NSite/FullStory/News/?Id=27029&Serv=12>

<http://jamnews.ir/NSite/FullStory/News/?Id=28216>

<http://bamdadi.com/2011/11/12/support-or-overthrow/>

<http://kayhannews.ir/901005/8.htm#other801>